

بررسی، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: دره فرحزاد)^۱

دکتر پروانه شاه حسینی^۲

یعقوب حق پناه^۳

چکیده

اسکان غیررسمی از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی شتابان در جهان معاصر است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری منطقه‌ای شکل گرفته و شهرها و خصوصاً کلانشهرهای در حال توسعه از جمله ایران را با مسائل عدیده‌ای مواجه ساخته است. نوشتار حاضر ضمن بررسی اسکان غیررسمی در دره فرحزاد، به ارائه راهبردهایی به منظور ساماندهی و توانمندسازی آن پرداخته است. فرحزاد از لحاظ تقسیمات شهری در شمال غرب منطقه ۲ شهرداری تهران واقع شده و با وسعتی در ۶۴/۹۵ هکتار و دارای جمعیتی در حدود ۳۲۷۳ نفر در سال ۱۳۸۵، از جمله مناطقی است که دچار این معضل بوده و نمونه موردی این تحقیق می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق شامل خانوارهای ساکن در دره فرحزاد است و حجم نمونه شامل ۱۲۰ خانوار از خانوارهای ساکن در دره فرحزاد خواهد بود. در این راستا برآنیم تا ضمن بررسی، محدودیت‌ها و قابلیت‌های موجود گزینه‌های مناسب جهت ساماندهی سکونتگاهها و ارزیابی بر مبنای معیارهای مورد نظر، مناسب‌ترین گزینه را جهت کمک به تصمیم‌گیری آگاهانه و خردمندانه مدیران شهری انتخاب نماییم. روش تحقیق مورد استفاده، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، بصورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم افزارهای SPSS، Excel و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اغلب ساکنین مهاجرین روستایی و مهاجرین (افغانی و پاکستانی) هستند و این منطقه بدون برنامه‌ریزی و نظارت مدیران شهری، نداشتن فرهنگی شهرنشینی ساکنین و ناهماهنگی میان سازمانهای ارائه دهنده خدمات شهری، شکل گرفته و در چند سال اخیر گسترش یافته است و در نهایت رویکرد توانمندسازی به عنوان رویکرد مطلوب در ساماندهی اسکان غیررسمی در دره فرحزاد ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اسکان غیررسمی، ساماندهی، توانمندسازی، دره فرحزاد.

^۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد بوده و مورد حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می باشد.

^۲. عضو هیأت علمی سازمان سمت

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)،

(y_haghi۱۳۶۳@yahoo.com)

شهرنشینی و گرایش شدید به سکونت در مناطق شهری حاصل سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی و اجتماعی خاص هر کشور است این سیاستها در کشورهای در حال توسعه و بویژه در دهه های اخیر به مهاجرت‌های شدید روستا-شهر منجر شده و همگام با تحولات سریع سیاسی-اقتصادی و اجتماعی الگوی نامتوازن در نظام شهری چنین کشورهای را ایجاد نموده است. چنین شرایطی موجبات مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگتر و اسکان غیررسمی را فراهم آورده است و مدیریت شهرها را در ارائه خدمات و تسهیلات به جمعیت با مشکلات زیادی روبرو ساخته است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بخشی از جمعیت کلانشهرها بویژه در روستاهای اطراف شهرهای بزرگ آن حاشیه نشین هستند. البته حاشیه نشینی ایران با برداشتی که از مفهوم حاشیه نشینی در سایر کشورها شده، متفاوت است. شهر تهران در دوره معاصر به مرور با افزایش جمعیت و با دلیل عدم توزیع متناسب آن، به صورتی پراکنده و گسسته رشد یافته و همچنین عدم انسجام در توسعه کالبدی، به پیدایش محله‌های برنامه ریزی نشده و سیمای افسرده انجامیده است. دره فرحزاد یکی از اجتماعات غیررسمی شهر تهران است که هم اکنون با مسائل متعدد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و از قبیل اینها... مواجه است. به طور کلی وجود نواحی نابرابر در فضای شهری، معلول نابرابری در توزیع منابع ثروت و درآمد در جامعه است، که به جدایی‌گزینی فضایی، اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. در برخورد با این پدیده راه حل‌های متفاوتی ارائه گردیده است. از آنجایی که راه‌های هم‌چون حذف و تخریب یا دادن خدمات صرف از سوی سازمانهای ذیربط - بدون پذیرفتن حق شهروندی و بکارگیری نیروی شراکتی این اجتماعات - هیچ کدام راهگشا نبوده‌اند، و بایستی در جستجوی راه‌حلی ریشه‌ای و درون‌زا در نحوه مواجهه با این سکونتگاهها بود تا بتوان به یکپارچگی این محله‌ها با محله‌های رسمی شهر دست یافت.

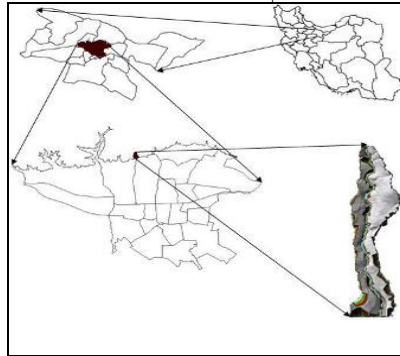
طرح مسأله

تحولات جمعیتی ایران در دهه های اخیر، اثرات شگرفی بر ساختار اجتماعی-اقتصادی و کالبدی کشور بر جای گذاشته است. افزایش جمعیت کشور و جابجایی و مهاجرت آنها از نقاط محروم به

بررسی، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی.....۸۱۱۱۱

نقاط برخوردار، باعث بر هم خوردن تعادل های منطقه ای شده که می توان ریشه آن را در نحوه توزیع منابع در سطح این مناطق جستجو نمود. در این میان شهرها به واسطه برخورداری از امکانات و زیر ساخت های رفاهی و خدماتی گوی سبقت را ربوده اند و هر روز بر تعداد شهرها و ساکنین آنها افزوده می شود به همین دلیل روند مهاجرت به شهرها سرعت چشمگیری یافته و روستاها را به نابودی کشانده است. در نتیجه روند افزایش شهرنشینی در کشور باعث شده است که ساختار فرسوده شهرداریها و مدیریت شهری و همچنین توانمندیها و منابع موجود در شهرها توانایی پاسخگویی به این حجم عظیم از مشکلات و نیازهای شکل گرفته را نداشته باشد (صفوی، ۱۳۸۱: ۶۴). دره فرحزاد از لحاظ تقسیمات شهری در شمال غرب منطقه ۲ شهرداری تهران واقع شده است. فرحزاد به عنوان یکی از روستاهای قدیم تهران، همراه با توسعه پرشتاب این شهر، امروزه از جمله مناطقی می باشد که با وجود قابلیت های مختلف، با نابرابری فضایی و انواع مشکلات روبروست و از این رو یکی از سکونتگاههای غیررسمی شهر تهران محسوب می شود. بررسی های انجام شده نشان می دهد که منطقه مورد نظر در حدود ۶۴/۹۵ هکتار مساحت دارد و بر اساس سر شماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۰۴۶ نفر بوده است که در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۲۷۳ نفر با نرخ رشد ۱۱/۶ افزایش یافته است. مساحت اغلب مسکن در حد استاندارد نبوده و سطح اشغال فضا در این دره بسیار بالا می باشد. اغلب ساکنان این منطقه دارای مشکلات اقتصادی، فرهنگی و کالبدی فراوانی هستند و معابر و گذرها در منطقه مود نظر ارگانیک و غیر هندسی هستند و بر اساس وضع موجود بناها و به تبعیت از شیب کلی منطقه و اراضی شکل گرفته اند. و وجود مشکلات فراوان در این منطقه در زمینه های خدمات رفاهی و زیربنایی، ساخت و ساز بی رویه و بدون ضابطه و همچنین تأسیس واحدهای مسکونی در بخش ها با کاربری های دیگر از مشکلات موجود این منطقه می باشد.

نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه (دره فرحزاد)



به همین منظور این مقاله با هدف بررسی چالش های اسکان غیررسمی در دره فرحزاد، به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. مهمترین عوامل شکل گیری اسکان غیررسمی در دره فرحزاد کدامند؟
۲. آیا ضعف در مدیریت شهری سبب عدم بهبود شرایط ساکنان دره فرحزاد شده است؟
۳. راه حل بهبود مسأله چیست و یا به عبارتی راه حل برخورد با پدیده اسکان غیررسمی در دره فرحزاد چیست؟

فرضیات تحقیق:

۱. به نظر می رسد نداشتن فرهنگ شهرنشینی، ناتوانی مالی ساکنین، ارزانی قیمت زمین و مسکن مهمترین عوامل شکل گیری اسکان غیررسمی در دره فرحزاد باشند.
۲. به نظر می رسد عدم ارتقای کیفیت شرایط ساکنان دره فرحزاد به ناکارآمدی مدیریت شهری بر می گردد.
۳. به نظر می رسد ساماندهی اسکان غیررسمی در دره فرحزاد نیازمند شیوه های نوین اداره امور شهری (مشارکتی و توانمندسازی و ...) باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله کاربردی و نوع آن توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده ها، بصورت کتابخانه ای (اسنادی) و میدانی می باشد و جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای ساکن در دره فرحزاد و همچنین مسئولان متخصص و کارشناسان مسائل شهری در منطقه می باشد.

بررسی، سالمندپوی و توانمندسازی اسکان غیررسمی..... ۸۳۱۱۱

طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد کل ساکنین این منطقه ۳۲۷۳ نفر برآورد شده است و با در نظر گرفتن بعد خانوار محاسبه شده (۴) تعداد خانوارها در حدود ۸۱۸ خانوار تخمین زده می‌شود. بنابراین جامعه آماری ما در این تحقیق شامل تقریباً ۸۱۸ خانوار ساکن در دره فرحزاد است. جهت تعیین حجم نمونه برای جامعه اول از طریق رابطه کوکران و جدول ارائه شده توسط کریجکی و مورگان استفاده نمودیم. طبق دو روش فوق حجم یک نمونه‌ی تصادفی از جامعه‌ای با فراوان ۸۵۰، حدود ۲۶۵ واحد برآورد شده است (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۷۳). اما با توجه به این که تجانس و مشابهت خانوارهای ساکن دره فرحزاد بسیار بالاست، نمونه‌ای با حجم کمتر هم می‌تواند ویژگی‌های این جامعه را در حد مطلوبی به ما بنمایاند، بنابراین حجم نمونه‌ی این تحقیق شامل ۱۲۰ خانوار از ۸۱۸ خانوار ساکن در دره فرحزاد خواهد بود که به روش نمونه‌گیری احتمالی و با قرعه‌کشی از بین خانوارهای ساکن در این دره انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات، از نرم افزارهای SPSS، EXCEL و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. واحد آماری سرپرست خانوار و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. در جامعه آماری دوم، ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه است که با افراد محلی در مورد اسکان غیررسمی و عوامل موثر در چگونگی پیدایش دره فرحزاد مصاحبه شده است.

اهداف تحقیق

بطور کلی اهداف این مقاله به دو بخش کلان و خرد تقسیم می‌شود. هدف کلان ایجاد فضای مناسب برای زیست بهتر در جوامع شهری با توجه به اصول و ارزشهای والای انسانی و اهداف خرد همانا ایجاد زمینه‌های مناسب برای هماهنگی و همگنی منطقه مورد مطالعه به عنوان عنصری از عناصر سیستم شهری می‌باشد که عبارتند از: ۱- بررسی و شناخت وضعیت موجود (شرایط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) در دره فرحزاد ۲- بررسی و شناخت علل تشدید روند شکل‌گیری اسکان غیررسمی در دره فرحزاد ۳- انتخاب مناسب‌ترین گزینه جهت کمک به تصمیم‌گیری آگاهانه و خردمندانه مدیران شهری در دره فرحزاد.

چهارچوب نظری تحقیق

۱۳۸۴ // فصلنامه جغرافیا، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

اسکان غیررسمی: اسکان غیررسمی مکانی است که در آن فقیران شهری - که عموماً مهاجران به شهر هستند - با وضعیت زندگی متفاوت با استانداردهای معمول (به ویژه از لحاظ کالبدی، شهرسازی، اقتصادی و اجتماعی) سکونت دارند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱: ۴۸). اسکان غیررسمی به نوعی اسکان گفته می‌شود که افرادی بدون اجازه و یا پرداخت اجاره بها مکان آنها را اشغال کرده و آن را سرپناه خویش قرار داده اند. این تعریف فقط به جنبه فیزیکی اسکان غیررسمی پرداخته و تصرف عدوانی را لازمه اسکان غیررسمی دانسته است. (عسگری طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). به نظر عده ای از متخصصین، اسکان غیررسمی عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکنند ولی از نظر درآمد، بهره گیری از امکانات و خدمات در شرایط نامطلوبی بسر می‌برند. در واقع کلیه کسانی که از حالت تولیدی گذشته خود بیرون آمده و به صورت مازاد نیروی انسانی در حاشیه شهر سکنی می‌گزینند و دارای یک زندگی حاشیه ای هستند. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴).

رویکردها و گزینه‌های حل مشکل اسکان غیررسمی: از اوایل قرن بیستم که مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی مورد توجه جدی قرار گرفت رویکردهای مختلفی برای حل مسئله اسکان غیررسمی در دستور کار قرار گرفت. عمده این رویکردها عبارتند از:

جدول شماره ۱-۱: رویکردهای برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی

تکات اصلی	دوره رواج و تسلط	رویکرد
با توسعه اقتصادی در کل جامعه مشکل حل خواهد شد، مشکل ساختاری است و با برنامه‌ریزی محلی حل نخواهد شد.	تا دهه ۱۹۶۰	نادیده گرفتن
سکونتگاه‌های غیررسمی غده چرکین بر بدن شهر هستند که باید برچیده شوند.	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰	تخلیه اجباری و حذف مجدد
بهره‌گیری از نیروی کار، مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	خودیاری
دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است، نیاز به یارانه‌های هدفدار مسکن	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	مسکن عمومی - اجتماعی
تأمین زمین و زیرساخت‌های اولیه راه حل است	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	مکان - خدمات
تأمین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود	۱۹۸۰ تا کنون	بهبودی

بررسی، ساندی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی..... ۸۵۱۱۱

توانمندسازی ۱۹۹۰ تا کنون ایجاد چارچوب سیاسی، اداری و محیطی، استفاده از ظرفیت‌های درونی اجتماعات محل، توسعه اقتصادی و اجتماعی

(مأخذ: ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

دیدگاه توانمندسازی

راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی افراد تأکید دارد تا آنان شرایط زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود بخشند. ارتقاء بخشی همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافتی نوین برای حل مسأله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تنها، تزریق منابع مالی را راهگشا نمی‌داند، بلکه بر مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال افراد جامعه محلی نیز، تأکید فراوان دارد (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷). سیاست‌های توانمندسازی بر اصول تفویض اختیار مبتنی است و اینکه تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری در منابع توسعه اقتصادی، اجتماعی و مادی داخلی باید در پایین‌ترین سطح کارایی باشد و برای اکثر فعالیت‌های ارتقابخشی، پایین‌ترین سطح اثربخشی و کارایی، سطح اجتماع محلی و محله است (un-habitat, ۲۰۰۳: ۱۳۱). در این جا و در چارچوب توانمندسازی اجتماعات محلی، رابطه میان دولت و سازمان‌های اجتماع محلی با برنامه ریزی مشارکتی سامان داده می‌شود که در آن، اجتماع محلی در تصمیم‌سازی و تعیین اهداف و اولویت‌های برنامه ریزی نقشی تعیین کننده دارد (Burgess&et al, ۱۹۹۷b: ۱۵۳). حاصل این چنین توانمندسازی، توسعه اجتماع محلی است که نوعی نگرش به توسعه از پایین است و از طریق سازمان‌های غیردولتی قابل تحقق است. زیربنای این امر نیز سازماندهی اجتماع محلی است و نیازمند بسیج قابلیت‌های درونزای اجتماع است. در این مورد، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی^۱ جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد (ایراندوست، ۱۳۸۶: ۹۰). در این راستا، استفاده از مدل توسعه اقتصادی به عنوان فرآیندی مطلوب خواهد بود که در آن ظرفیت‌سازی بلندمدت اجتماع محلی صورت می‌گیرد و اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیطی در آن با هم تلفیق می‌شوند. مزیت توسعه محلی از نظر اقتصادی،

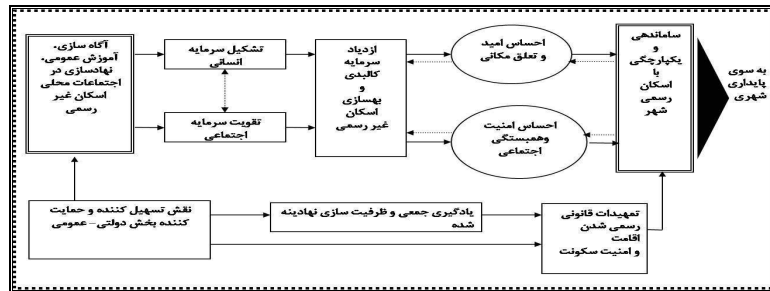
^۱ social capital

بکارگیری توان‌ها و ظرفیت‌های مردم و به جریان انداختن منابع محلی است. توسعه اقتصادی در سطح اجتماع محلی، تحت یک سازمان غیردولتی و یا سازمانی مبتنی بر جامعه محلی صورت می‌پذیرد که در آن، استفاده از سرمایه اجتماعی برای دستیابی به اهداف جمعی، بسیار مهم است. در واقع، توسعه اقتصادی جامعه محلی، فرایند تولید ثروت به وسیله بسیج منابع محلی برای تولید کالا و خدمات قابل ارائه به بازار است که نوعی اقدام از پایین به بالا جهت بهبود شرایط اقتصادی محله است (Walter, 2004: 145). در این روند، سازماندهی اجتماع محلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سازماندهی باید در سطح ساده و محله صورت گیرد. در این مورد، برای ظهور مشارکت در سطوح مختلف، بر جامعه مدنی تأکید می‌گردد که نقشی محوری در ارتقای استانداردهای زندگی اقشار کم‌درآمد و تمرکززدایی در مشارکت ایفا می‌کند. از این روی باید گفت که توانمندسازی اجتماع محلی و توسعه محلی، رویکردی غیر متمرکز و مشارکتی است که علاوه بر مشارکت در ساخت و ساز و بهبود محله، ضرورت درگیر شدن خود ساکنان محله در تصمیم‌سازی و فرآیند برنامه‌ریزی برای تعیین اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند. (ایراندوست، ۱۳۸۶: ۹۲).

محورهای اصلی این رویکرد عبارتند از: ۱- برقراری کامل ارتباط بین بخش مسکن و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی ۲- پیوند همه جانبه برنامه‌ریزی مسکن با برنامه‌ریزی شهری ۳- جهت‌گیری سیاست‌ها برای تحقق توانمندسازی خانواده‌ها با استفاده از سازمان‌های غیردولتی ۴- سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات همچون تشکلهای خود یار که با فعالیت‌های دولت و عملکرد بازار هم بسته باشند. ۵- توجه ویژه به مقولات فقر، محیط زیست، بهداشت در برنامه‌های مسکن و حضور دولت در هنگامی که بازار در تأمین مسکن با حداقل شرایط قابل قبول برای کم‌درآمدها دچار شکست می‌شود. این حضور باید با حداقل پرداخت سوبسید که به دقت مدیریت شده و در عملکرد بازار انحراف ایجاد نکند، انجام پذیرد. بهترین شکل سوبسید، کمک‌های سرمایه‌ای به فقیرترین خانوارها به صورت منفرد است. ۶- فراهم آوردن شبکه‌های زیربنایی و اعطای حقوق مالکیت در مناطق حاشیه‌نشین موجود (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۷۳). شکل زیر رویکرد توانمندسازی را نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱-۱: چارچوب نظری ساماندهی اسکان غیررسمی و رویکرد توانمندسازی (مأخذ:

بررسی، سماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی..... ۸۷۱۱۱



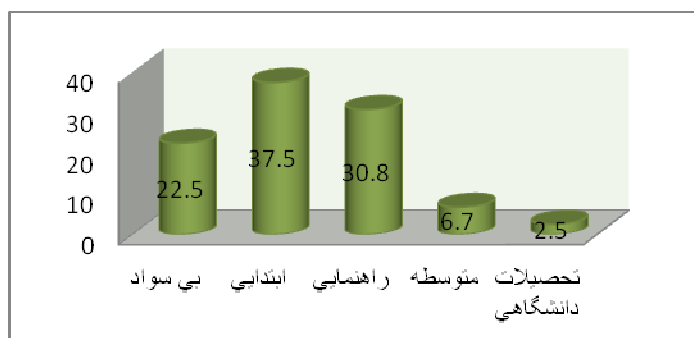
یافته‌های تحقیق:

ویژگی‌های جمعیتی: جمعیت این منطقه در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۰۴۶ نفر بوده است. با در نظر گرفتن نرخ رشد ۱/۶ جمعیت در رود- دره فرحزاد، جمعیتی برابر با ۳۲۷۳ نفر در سال ۱۳۸۵ در این منطقه ساکن بوده اند.

تعداد افراد خانوار: با تقسیم بندی خانوارها از ۱ نفره تا ۸ نفره در پرسشنامه‌ها، مشاهده می‌شود که ۱۷/۶ درصد از خانوارها کمتر از ۳ نفره بوده‌اند، ۴۵/۸ درصد بین ۳ تا ۵ نفره، ۲۸/۳ درصد بین ۵ تا ۸ نفره، و در نهایت ۸/۳ درصد از خانوارها دارای تعداد نفرات بیشتر از ۸ نفر می‌باشند، که نشان‌دهنده بالا بودن بعد خانوارها در این دره است.

وضعیت سواد سرپرست خانوار: با توجه به مطالعات میدانی بدست آمده مشخص شد که ۲۲/۵ درصد سرپرست خانوار بی‌سواد بوده‌اند، ۳۷/۵ درصد ابتدایی، ۳۰/۸ درصد راهنمایی، ۶/۷ درصد متوسطه، و تنها ۲/۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

شکل شماره ۱-۲: پراکندگی سواد سرپرست خانوار



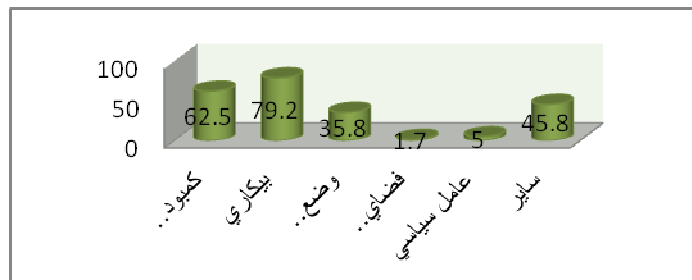
مهاجرت:

۱۳۸۸ // فصلنامه جغرافیا، شماره بیست و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

محل سکونت قبلی خانوار: از مجموع پاسخگویان به پرسشنامه‌ها، محل سکونت قبلی ۶۳ درصد آن‌ها روستا و ۳۷ درصد شهر می‌باشد.

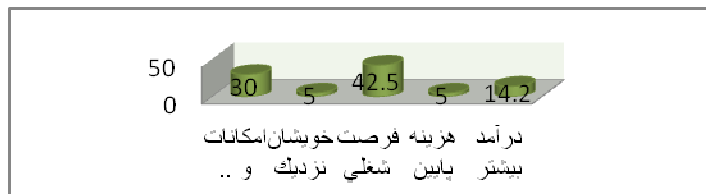
انگیزه مهاجرت از مبدأ: ۶۲/۵ درصد از جمعیت نمونه انگیزه مهاجرت از مبدأ را کمبود تسهیلات زندگی می‌دانستند. ۷۹/۲ بیکاری و ۳۵/۸ درصد وضع نابسامان معیشتی و ۱/۷ درصد فضای بسته اجتماعی و ۵ درصد عامل مسائل سیاسی ۴۵/۸ درصد نیز عوامل دیگری را انگیزه مهاجرت خود می‌دانند.

شکل شماره ۱-۳: انگیزه مهاجرت از مبدأ



علت انتخاب شهر تهران: پس از بررسی همه پرسشنامه‌ها معلوم شد که ۳۰ درصد پاسخگویان عامل وجود امکانات و تسهیلات زندگی در شهر تهران و ۵ درصد گزینه وجود خویشان نزدیک و ۴۲/۵ درصد وجود فرصت‌های شغل، ۵ درصد گزینه هزینه‌های پائین مسکن و مخارج زندگی، ۱۴/۲ درصد عامل درآمد بیشتر را علت انتخاب می‌دانند.

شکل شماره ۱-۴: علت انتخاب شهر تهران برای زندگی

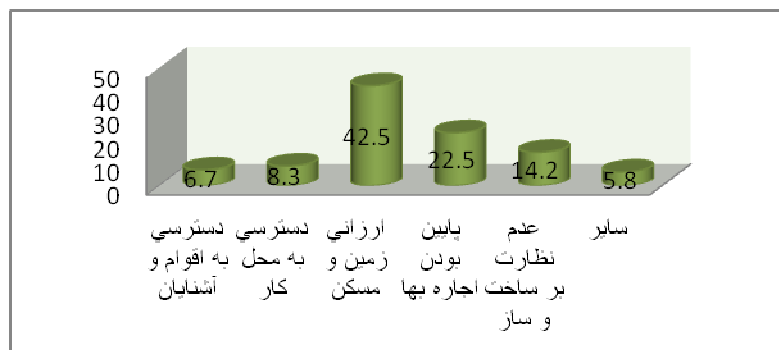


علت انتخاب سکونت در دره فرحزاد: پس از بررسی همه پرسشنامه‌ها معلوم شد که ۶/۷ درصد، دسترسی به اقوام و آشنائیان، ۸/۳ درصد، دسترسی به محل کار، ۴۲/۵ درصد ارزانی زمین و مسکن،

بررسی، سماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی..... ۸۹۱۱۱

۲۲/۵ درصد پائین بودن اجاره بهاء ، ۱۴/۲ درصد عدم نظارت بر ساخت و ساز و ۵/۸ درصد عوامل دیگری را علت انتخاب سکونت خود در دره فرحزاد می دانند.

شکل شماره ۱-۵: علت انتخاب سکونت در دره فرحزاد



ویژگی های اقتصادی:

وضع فعالیت: در سال ۱۳۸۵ از ۳۲۷۳ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر در منطقه مورد مطالعه ۳۵/۸ درصد فعال و ۷۲/۶ درصد غیر فعال بوده اند. از بین فعالان این ناحیه ۳۰/۷ درصد شاغل و ۵/۱ درصد نیز بیکار جویای کار بوده اند. نسبت فعالیت در بین مردان برابر ۶۲ درصد و در بین زنان ۶/۶ درصد بوده است. در بین مردان از ۳۸ درصدی که غیر فعال بوده اند، ۳۱/۸ درصد محصل، ۵/۹ درصد دارای درآمد بدون کار و ۰/۳ درصد نیز در گروه سایر قرار داشته اند. اما در بین زنان از ۹۳/۴ درصد جمعیت غیر فعال ۳۴/۸ درصد محصل و ۵۴/۵ درصد خانه دار بوده اند و ۱/۴ درصد نیز در گروه سایر قرار داشته اند سهم جمعیت شاغل نسبت به جمعیت فعال در این سال برابر ۸۵/۷ درصد بوده است. این نسبت در بین مردان برابر ۸۷/۱ درصد و در بین زنان برابر ۷۰/۳ درصد بوده است. در مقایسه با سال ۱۳۷۵ درصد بیکاری هم در بین مردان و هم در بین زنان افزایش یافته است. بررسی وضعیت اشتغال ساکنین: برحسب اطلاعات موجود از ساکنین دره فرحزاد، جدول اشتغال را می توان چنین تنظیم نمود:

۱۳۹۰ // فصلنامه جغرافیا، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

جدول شماره ۱-۲: اشتغال ساکنین بر حسب سال در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: سازمان آمار و محاسبات

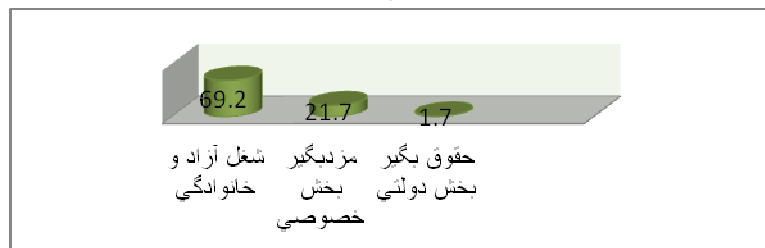
نگارنده)

شرح	۰-۵	۵-۱۰	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	۲۵-۳۰	بیش از ۳۰
سرپرست خانوار	۱۲۷	۱۵۹	۸۶	۸۱	۵۲	۵۶	۱۵
کل افراد شاغل به همراه سرپرست خانوار	۲۱۲	۲۰۰	۹۱	۸۶	۵۳	۵۶	۱۵

همانطور که مشاهده می شود، بیشترین مدت اشتغال ۵-۱۰ سال می باشد. این امر حاکی از آن است که نیروی انسانی بطور نسبی دارای مهارت زیادی نبوده و از طرف دیگر، جوان می باشد. نکته جالب توجه در نمایه فوق، وجود نیروی کار با سابقه بیش از ۳۰ سال می باشد و این به معنای بکارگیری مجدد نیروی کار بازنشسته است. این امر می تواند دلیلی بر عدم تکافوی درآمد به هزینه باشد.

نوع شغلی اصلی خانوار: تعداد پاسخگویان به پرسشنامه ها در این سوال ۹۲/۶ درصد از کل خانوارهای مورد مطالعه بوده است. پس از بررسی همه پرسشنامه ها معلوم شد که ۶۹/۲ درصد از تعداد پاسخ دهندگان دارای شغل آزاد یا خانوادگی می باشند، ۲۱/۷ درصد مزد بگیر بخش خصوصی، و فقط ۱/۷ درصد حقوق بگیر بخش دولتی هستند.

شکل شماره ۱-۶: نوع شغل اصلی خانوار



میزان درآمد و هزینه ماهیانه خانوار: در میان پاسخگویان ۱۴/۲ درصد از آنها درآمد ماهیانه ای کمتر از ۱۰۰ هزار تومان داشته اند، ۴۱/۷ درصد بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۳۴/۲ درصد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۱۰ درصد درآمدی بیش از ۳۰۰ هزار تومان در ماه داشته اند. در میان این خانوارها هزینه ماهیانه ۱۵/۸ درصد از آنها کمتر از ۱۰۰ هزار تومان بوده، ۴۱/۷ درصد بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۳۵

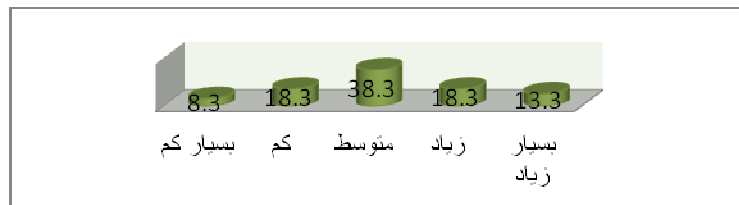
بررسی، سالمندپس و توانمندسازی اسکان غیر رسمی..... ۹۱۱۱۱

درصد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و ۷/۵ درصد هزینه‌ای بیش از ۳۰۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند. مقایسه‌ی بالا نشان می‌دهد که مردم این منطقه به نوعی هزینه‌های زندگی‌شان را با درآمدشان هماهنگ نموده‌اند و گر نه در شرایط اقتصادی کنونی درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان در ماه کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌دهد. بررسی میزان رضایت آن‌ها از این وضعیت، می‌تواند راهنمای بهتری برای تحلیل باشد.

رضایتمندی از وضعیت موجود و تعلق شهروندی:

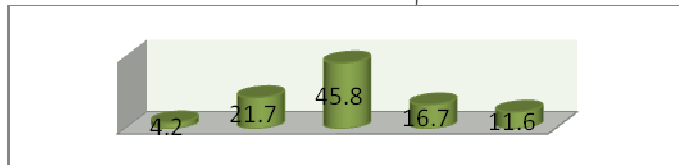
میزان رضایت از سکونت در دره فرحزاد: از خانوارهای مورد مطالعه ۹۶/۶ درصد به این سوال پاسخ داده‌اند که جمعاً ۳۱/۶ درصد بیان کرده‌اند میزان رضایت آن‌ها از سکونت در این محل زیاد و بسیار زیاد است، ۳۸/۳ درصد رضایت خود را متوسط و ۱۸/۳ درصد میزان رضایت خود را از سکونت در این محل کم و در نهایت ۸/۳ درصد میزان رضایت خود را از سکونت در این محل بسیار کم ابراز نموده‌اند.

شکل شماره ۱-۷: میزان رضایت خانواده از سکونت در دره فرحزاد



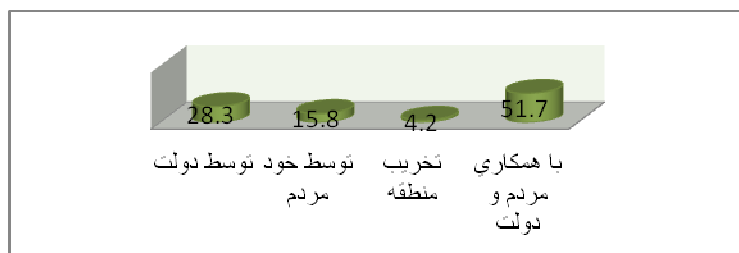
کدام یک از موارد زیر را جهت بهبود وضعیت زندگی خود ترجیح می‌دهید؟ در مورد بهبود و ارتقای شرایط زندگی در این منطقه، فقط ۴/۲ درصد تخریب این منطقه و واگذاری مسکن مناسب تر با قیمت ارزانه‌تر در یکی از نقاط شهر را انتخاب نموده، ۲۱/۷ درصد معتقدند مردم توانایی حل مشکلات منطقه را ندارند و دولت باید مشکل را حل کند، ۳۸/۳ درصد واگذاری امکانات و تسهیلات اشتغال و افزایش درآمد ساکنین و مشارکت خود ساکنین در بهبود وضع منطقه را ترجیح می‌دهند، ۲۴/۲ درصد نیز دادن امکانات و خدمات موجود در دیگر مناطق شهر به این منطقه را راه حل بهبود وضعیت موجود می‌دانند و ۱۱/۷ درصد هیچ کدام از این راه‌ها را مؤثر نمی‌دانند.

شکل شماره ۱-۸: کدام یک را در بهبود وضعیت منطقه خود ترجیح می‌دهید؟



مشکلات این منطقه چگونه حل خواهد شد؟ ۲۸/۳ درصد از پاسخگویان به این سؤال معتقد بودند که مشکلات این منطقه توسط دولت حل می‌شود، ۱۵/۸ درصد اظهار نمودند که مشکلات این منطقه توسط خود مردم قابل حل است، ۴/۲ درصد با تخریب منطقه موافقت و ۵۱/۷ درصد همکاری مردم و دولت را بهترین رویکرد در جهت حل مشکلات این منطقه می‌دانند.

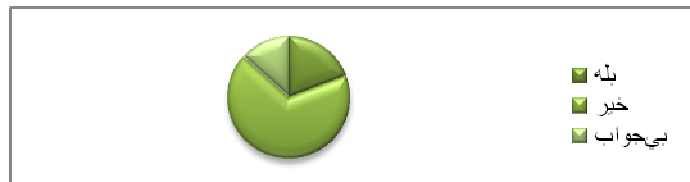
شکل شماره ۱-۹: مشکلات این منطقه چگونه حل خواهد شد؟



میزان رضایت از عملکرد سازمانها و ادارت مختلف:

آیا مدیران شهری برای بهبود وضعیت منطقه شما برنامه خاصی دارند؟ ۸۶/۷ درصد از افراد جمعیت نمونه به این سؤال پاسخ دادند که ۶۷/۵ درصد از آن‌ها اعلام کردند که مدیران شهری هیچ برنامه‌ای برای بهبود وضعیت دره فرحزاد ندارند و ۱۳/۳ نیز بیان نمودند که مدیران شهری برای آنها برنامه‌هایی برای بهبود وضع منطقه دارند.

شکل شماره ۱-۱۰: آیا مدیران شهری برای بهبود وضعیت منطقه شما برنامه خاصی دارند؟

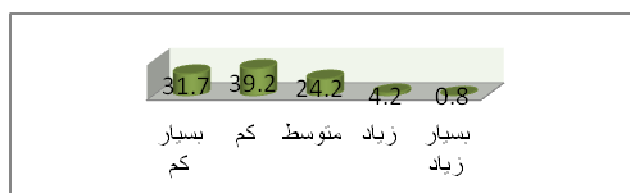


هماهنگی‌های لازم در زمینه بهبود و حل مشکلات شما بین دستگاه‌های ذی‌ربط تا چه میزان است؟ در مورد این سؤال ۳۱/۷ درصد از خانوهای مورد تحقیق بیان کردند که هماهنگی‌ها بسیار کم، ۳۹/۲

بررسی، سماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی..... ۹۳۱۱

درصد هماهنگی‌ها را کم، ۲۴/۲ درصد متوسط، و فقط ۵ درصد پاسخگویان هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول در امر مدیریت شهری را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند.

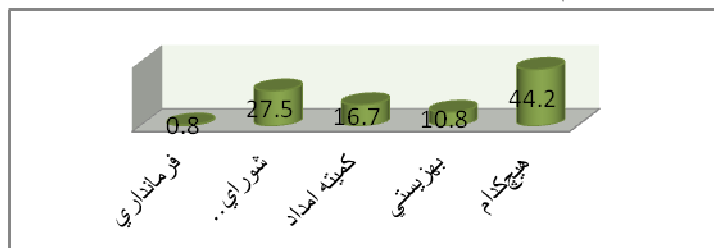
شکل شماره ۱-۱۱: هماهنگی‌های لازم در زمینه بهبود و حل مشکلات شما بین دستگاه‌های ذی‌ربط تا چه میزان است؟



آیا شهرداری و ارگانهای ذی‌صلاح در امر مدیریت شهر، مانند سایر محلات به شما ارائه خدمات می‌دهند؟ در این رابطه ۷۶/۷ درصد جواب خیر دادند، یعنی معتقدند که شهرداری و دیگر ارگانهای ذی‌صلاح در امر مدیریت شهر، مانند سایر محلات به دره فرحزاد ارائه خدمات نمی‌دهند و ۲۳/۳ پاسخ بله دادند.

کدام نهاد یا سازمان بیشترین تأثیر را در حل مشکلات شما داشته‌اند؟ ۰/۸ درصد از پاسخگویان فرمانداری، ۲۷/۵ درصد شورای شهر و شهرداری، ۱۶/۷ درصد کمیته امداد، ۱۰/۸ درصد بهزیستی را مؤثرترین نهاد یا سازمان در حل مشکلات خویش دانسته‌اند و ۴۴/۲ درصد نیز اعلام کردند که هیچ یک از نهادهای مذکور تأثیری در حل مشکلات آنها نداشته‌اند.

شکل شماره ۱-۱۲: کدام نهاد یا سازمان بیشترین تأثیر را در حل مشکلات شما داشته‌اند؟



ارزیابی عملکرد شهرداری، آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، بهزیستی، کمیته امداد و مرکز بهداشت

دوفصلنامه جغرافیا، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

از بررسی جدول زیر و مقایسه شکل‌های مربوط به ارزیابی ارگان‌های فوق نتایج زیر قابل استنباط است :

- در مورد شهرداری، ۵۶/۷ درصد از پاسخگویان عملکرد آن را در حد ضعیف، ۲۵ درصد متوسط، ۱۱/۷ درصد خوب و ۶/۷ درصد عالی ارزیابی نموده‌اند.
- ۲۲/۵ درصد پاسخگویان عملکرد آموزش و پرورش را ضعیف، ۴۸/۳ درصد متوسط، ۲۰ درصد خوب و ۹/۲ درصد عالی می‌دانند.
- در نظر ۶۱/۷ درصد از پاسخگویان به این سؤال، نیروی انتظامی عملکرد ضعیف داشته است، ۲۰ درصد عملکرد آن را متوسط می‌دانند، ۱۳/۳ درصد خوب و ۵ درصد در حد عالی ارزیابی نموده‌اند.
- عملکرد بهزیستی را ۱۴/۲ درصد عالی، ۲۶/۶ درصد خوب، ۳۵ درصد متوسط و ۲۴/۲ درصد ضعیف ارزیابی می‌کنند.
- ۱۴/۲ درصد معتقدند عملکرد کمیته امداد ضعیف است، ۳۵ درصد نیز عملکرد این ارگان را متوسط می‌دانند، ۲۹/۲ درصد آن را خوب و ۱۴/۲ درصد عالی ارزیابی کرده‌اند.
- فقط ۴/۲ درصد عملکرد مرکز بهداشت را عالی توصیف نموده‌اند، ۲۰/۸ درصد آن را خوب می‌دانند، ۴۲/۵ درصد عملکرد این ارگان را متوسط و ۳۲/۵ درصد بقیه، ضعیف می‌دانند.
- در تحلیل نهایی، به طور میانگین ۳۵/۳ درصد از پاسخگویان عملکرد این شش ارگان را ضعیف می‌دانند، ۳۵/۶ درصد عملکرد آن‌ها را متوسط، ۲۰/۲ درصد خوب و ۸/۹ درصد عالی توصیف نموده‌اند.

جدول شماره ۱-۳: ارزیابی عملکرد هر یک از ارگان‌های زیر در منطقه (مأخذ: پرسشنامه تحقیق و

محاسبات نگارنده)

ارگان	شهرداری	آموزش و پرورش	نیروی انتظامی	بهزیستی	کمیته امداد	مرکز بهداشت
سرپرست	۲۰۲	۲۵۹	۱۹۴	۲۷۷	۲۹۲	۲۳۶

بررسی، سالمندی و توانمندسازی اسکان غیررسمی..... ۹۵۱۱۱

						خانوار
--	--	--	--	--	--	--------

با توجه به این که تمام پاسخگویان به این سؤال پاسخ کامل داده‌اند نمره‌ی کل ارزیابی برای هر ارگان از ۱۲۰ (یعنی ۱۰۰ درصد ضعیف) تا ۴۸۰ (یعنی ۱۰۰ درصد عالی) تغییر می‌کند، که با توجه به ستون مجموع نمرات هر ارگان در این تحقیق، دامنه تغییرات نمرات از ۱۹۴ تا ۲۹۲ به دست آمد که بیانگر متوسط و ضعیف بودن عملکرد این ارگان‌ها در نظر مردم است. برای مقایسه و تعیین کیفیت عملکرد هر ارگان از الگوی زیر استفاده می‌کنیم. بعد از تعیین دامنه تغییرات، آن را بر تعداد ملاک‌ها (چهار ملاک ضعیف، متوسط، خوب و عالی) تقسیم نموده و جدول زیر را جهت ارزیابی و سنجش عملکرد به کار می‌بریم.

$$R = X_{\max} - X_{\min} = 480 - 120 = 360 \div 4 = 90$$

که در آن R دامنه تغییرات، X_{\max} بالاترین و پایین‌ترین نمره‌ی ممکن ارزیابی برای هر ارگان در این تحقیق می‌باشد.

جدول شماره ۱-۴: حدود نمرات ارزیابی (مأخذ: محاسبات نگارنده)

ارزیابی	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
دامنه	۱۲۰-۲۱۰	۲۱۱-۳۰۰	۳۰۱-۳۹۰	۳۹۱-۴۸۰

با توجه به جدول شماره ۱-۳ و نمرات به دست آمده از سؤال ارزیابی عملکرد ارگان‌های دولتی، می‌توان گفت عملکرد نیروی انتظامی و شهرداری ضعیف و سایر ارگان‌ها در حد متوسط ارزیابی شده‌اند. به عبارت دیگر رضایت مردم از عملکرد ارگان‌ها به ترتیب از پایین به بالا بدین صورت است: نیروی انتظامی، شهرداری، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش، بهزیستی و کمیته امداد. اما در هر حال مجموع نمرات هیچ کدام به حد ۳۰۰ نمی‌رسد، یعنی از نظر پاسخگویان عملکرد هیچ یک از این ارگان‌ها در مجموع خوب نبوده است.

آزمون فرضیات تحقیق

✓ **فرضیه اول:** به نظر می‌رسد نداشتن فرهنگ شهرنشینی، ناتوانی مالی ساکنین و ارزانی

قیمت زمین و مسکن مهمترین عوامل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در دره فرحزاد باشند.

از جمله عواملی که در نابسامانی کالبدی دره فرحزاد موثر شناخته شده اند فقر ساکنان آن می باشد که از دو زاویه فقر فرهنگی و فقر اقتصادی با شاخص های سطح سواد، مبدأ مهاجرت، درآمد و علت سکونت در این منطقه مورد ارزیابی قرار گرفتند. ۶۳ درصد از پاسخگویان مبدأ مهاجرت خود را روستا اعلام نموده اند و پایین بودن سطح سواد ساکنین (شکل ۱-۲) بیانگر فقر فرهنگی و نداشتن فرهنگ شهرنشینی است و همچنین با مروری بر عوامل مهاجرت ساکنین دره فرحزاد از مبدأ خود متوجه می شویم که انگیزه مهاجرت ۷۹/۲ درصد از آنها بیکاری بوده است و پایین بودن سطح درآمد خانوارها نشانگر فقر اقتصادی ساکنین است. در کنار فقر فرهنگی و اقتصادی بر اساس برداشت های میدانی ۴۲/۵ درصد از پاسخگویان علت انتخاب دره فرحزاد برای سکونت را ارزانی زمین و مسکن و ۲۲/۵ درصد پائین بودن اجاره بهاء عنوان کرده اند (شکل ۱-۵). مجموعه این عوامل موجب جذب مهاجران و شکل گیری و گسترش اسکان غیررسمی در دره فرحزاد می شوند.

در تحلیل های آماری جهت قبول یا رد فرضیات این تحقیق، از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ (α) بین سؤالات مربوط به هر فرضیه استفاده می شود. این ضریب که یکی از روش های سنجش پایایی ابزارهای اندازه گیری می باشد درجه ی توافق اندازه های مستقل و مشابهی را که از فرد، گروه و یا موقعیت معینی به دست آمده مشخص می کند. در این تحقیق ما با محاسبه ی ضریب آلفا بین سؤالات، میزان توانایی سنجش مسئله ی مورد نظر توسط پرسشنامه و نیز میزان توافق پاسخگویان در مورد پاسخ سؤالات را به دست می آوریم. دامنه آلفا بین ۰ تا ۱ است، که با ضرب نمودن در عدد ۱۰۰ به صورت درصد هم بیان می شود و هرچه این ضریب بیشتر باشد، پایایی مقیاس و توافق درونی سؤالات و پاسخگویان بالاتر خواهد بود و طبق این قاعده آلفا دست کم باید ۰/۷۰ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی دانست. جهت قبول یا رد این فرضیه، ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بین سؤالات مربوط به آن در حدود ۷۲/۲ درصد به دست آمد که بیانگر بالا بودن پایایی مقیاس و مشابهت وضعیت فرهنگی، اقتصادی و شرایط زندگی پاسخگویان است. بنابراین می توان گفت وضعیت فرهنگی و اقتصادی خود ساکنین این منطقه عامل اصلی شکل گیری اسکان غیررسمی می باشد. پس فرضیه اول ما با اطمینان ۹۵ درصد و سطح معنی داری ۰/۰۵ در حد ۷۲/۲ درصد تأیید می شود.

بررسی، سالمندی و توانمندسازی اسکان غیررسمی..... ۹۷/۱۱

۷ فرضیه دوم: به نظر می رسد عدم ارتقای کیفیت شرایط ساکنان دره فرحزاد به ناکارآمدی مدیریت شهری برمی گردد.

طبق جدول ۱-۲ بررسی احساس رضایت از عملکرد سازمانها و اداراتی مانند شهرداری، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش در محله اجتماع اسکان غیررسمی دره فرحزاد نشان می دهد که احساس عدم رضایت مردم از عملکرد نیروی انتظامی، شهرداری و مرکز بهداشت در این دره بیشتر از سایر ادارات بوده است. از این روست که ساکنین رضایت چندانی از عملکرد این ارگانها بویژه نیروی انتظامی و شهرداری ندارند. و معتقد به کوتاهی مسئولین در زمینه خدمات شهری و امنیتی به این دره می باشند. همچنین ۶/۷۶ درصد از پاسخگویان معتقدند که شهرداری و دیگر ارگانهای ذیصلاح در امر مدیریت شهر، همانند سایر محلات به دره فرحزاد ارائه خدمات نمی دهند و این امر نشان از وجود بی اعتمادی گسترده به نهادها و سازمانهای مسئول می باشد. (طبق داده های این تحقیق ۸/۷۰ درصد پاسخگویان میزان هماهنگی در بین این سازمانها را کم و بسیار کم می دانند) و در مورد شرایط کنونی هم ۵/۶۷ درصد از آنها اعلام کردند که مدیران شهری هیچ برنامه ای برای بهبود وضعیت دره فرحزاد ندارند. پس به این نکته می رسیم که منطقه خارج از برنامه توسعه کالبدی شهر و به شکلی زائد و خودانگیخته و بی برنامه شکل گرفته است و با توجه به مطالعات انجام شده نیاز به برخورداری از امکانات و ارزانی زمین و مسکن، نداشتن فرهنگ شهرنشینی و عدم نظارت مهمترین عامل شکل گیری این منطقه بوده است. از طرفی دیگر نیز مهمترین عامل ساخت و ساز غیر مجاز عدم نظارت شهرداری یا ارگانهای دیگر بر ساخت و ساز و به اصطلاح رهاسازی این منطقه است. بررسی وضعیت مالکیت مسکن نشان می دهد که مالکیت فقط ۵/۱۲ درصد منازل مشخص است (ملکی و شخصی یا وقفی) و مالکیت سایر املاک معلوم نیست و فاقد سند مالکیت و حتی در بیشتر موارد فاقد قولنامه های عادی هستند و چون شهرداریها روی املاک بدون سند و یا قولنامه ای پروانه ساخت صادر نمی کنند بنابراین ساکنان محل و مهاجران جدید اقدام به ساخت و ساز غیر مجاز، غیراستاندارد، با مصالح کم دوام و با مقاومت پایین خواهند نمود، موجهی که جلوگیری از آن با رویکرد موجود مدیریت شهری ناممکن است. جهت قبول یا رد فرضیه ی دوم این تحقیق، ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بین سؤالات

مربوط به آن در حدود ۸۱/۴ درصد به دست آمد که بیانگر بالا بودن پایایی مقیاس و توافق بین پاسخگویان در مورد ناکارآمدی بسیار زیاد ارگان‌های مسئول مدیریت شهری در بهبود وضعیت ناسامان محل از دید ساکنان آن است. بنابراین از مجموعه مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که بخش اعظم نامناسب بودن شرایط زندگی ساکنان دره فرحزاد و عدم بهبود کیفیت آن در طول زمان به ناکارآمدی مدیریت شهری و آگاهی مردم محل از این امر و بی‌اعتمادی به نهادهای ذی‌ربط برمی‌گردد و فرضیه دوم ما با اطمینان ۹۵ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در حد ۸۱/۴ درصد تأیید می‌شود.

۷ فرضیه سوم: به نظر می‌رسد ساماندهی اسکان غیررسمی در دره فرحزاد نیازمند شیوه‌های نوین اداره امور شهری (مشارکتی و توانمندسازی و ...) باشد.

همان‌گونه که در مباحث نظری تحقیق اشاره شد، دیدگاه‌ها و نگرش‌ها و راهبردهای متفاوتی برای برخورد و ساماندهی اسکان غیررسمی مطرح شد: دیدگاه تخریب در مورد اسکان غیررسمی دره فرحزاد که جایگاه زندگی گروهی از محروم‌ترین مردم می‌باشد نمی‌تواند راهبرد و نگرش مناسبی باشد، بویژه این که ساکنین این وحله دارای پیوستگی‌های فراوانی هستند و حس تعلق به مکان در آنها بالاست و علی‌رغم مشکلات موجود ۷۳/۴ درصد از ساکنین از سکونت در این دره احساس رضایت دارند و حتی ۵۵ درصد در مقابل این پرسش که در صورت فراهم آمدن شرایط و امکانات مالی سکونت در کدام محل را ترجیح می‌دهید باز هم دره فرحزاد را انتخاب کرده‌اند و این امر کاملاً دیدگاه تخریب و راهبرد واگذاری زمین و مسکن و خدمات در دیگر نقاط را رد می‌کند. بر اساس راهبردهای مختلف در برخورد با این پدیده، راهبرد توانمندسازی در مورد اسکان غیررسمی در دره فرحزاد مناسب می‌باشد. (۱) تأکید اصلی راهبرد توانمندسازی بر مشارکت مردمی و حضور مردم در ساماندهی اسکان غیررسمی است. در بررسی‌های انجام شده در دره فرحزاد ۷۳/۳ درصد از پاسخگویان همکاری در سازمانهای محلی برای حل مشکلات را می‌پذیرند و برای فعالیت در چنین سازمانی اعلام علاقمندی کرده‌اند و حتی می‌توان علت عدم علاقه‌ی بقیه پاسخگویان به همکاری را به ناکارآمدی مدیریت شهری و بی‌اعتمادی آنان به نهادهای دولتی همچون شهرداری و نیروی انتظامی

بررسی، سالمندپوی و توانمندسازی اسکان غیررسمی..... ۹۹۱۱۱

دانست. ۲) همچنین در پاسخ به این که مشکلات دره فرحزاد چگونه حل خواهد شد ۲۸/۳ درصد پاسخگویان معتقد بودند که دولت می تواند مشکلات را حل کند و ۱۵/۸ درصد معتقد بر توانایی خود مردم در حل مشکلات بوده و ۴/۲ درصد معتقد بودند که مشکلات دره فرحزاد حل شدنی نیست و باید دره تخریب شود و ۵۱/۷ درصد اعتقاد داشتند که با مشارکت دولت و مردم می توان مسئله را حل کرد، که این بررسی نیز تا حدودی نشان دهنده ی مشارکت مردم در حل مشکلات و باور آن ها به حل شدن مسائل شان است. البته در این زمینه باز هم نیم نگاه مردم به دولت تا حدودی دیده می شود، که تا حدودی امر توانمندسازی را با مشکل مواجه می کند، زیرا ۲۸/۳ درصد اعتقاد داشتند که مشکلات دره فرحزاد صرفاً توسط دولت حل می شود. جهت قبول یا رد فرضیه ی سوم تحقیق، ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بین سؤالات مربوط به آن در حدود ۷۸/۳ درصد به دست آمد که بیانگر بالا بودن پایایی مقیاس و توافق بین پاسخگویان در مورد رویکرد توانمندسازی و مشارکت خویش در بهبود اوضاع منطقه و مخالفت با رویکرد تخریب و جایجایی می باشد و با توجه به این که آلفا بیشتر از ۷۵ درصد به دست آمده است، می توان گفت فرضیه ی سوم نیز با اطمینان ۹۵ درصد و سطح معنی داری ۰/۰۵ تأیید می شود.

نتیجه گیری:

اکثریت ساکنان دره فرحزاد را مهاجران روستایی و اتباع خارجی (افغانی و پاکستانی) تشکیل می دهند که به دلیل اثرگذاری عوامل دافعه در خاستگاه خود و کشش عوامل جاذبه شهری، به تهران مهاجرت کرده اند و اما به علت گرانی قیمت زمین و مسکن در تهران و ضعف بنیه مالی خود در اراضی نامناسب و شیب دار، این منطقه ساکن شده اند. مکانی که حتی از حداقل امکانات لازم برای زندگی انسانی برخوردار نیست. از آنجایی که محله های اسکان غیررسمی در داخل شهرها در اراضی بایر شکل می گیرند، معمولاً دارای تأسیسات زیربنایی بوده و شهرداری ها و مسئولان شهری چون براساس طرح شهری عمل نمی کنند، خود را موظف به تأمین تأسیسات در این اراضی نمی دانند. در حالی که افراد این منطقه خود را جزئی از شهر دانسته و خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از اینرو از کمبود و نبود خدمات رسانی به این محله احساس نارضایتی داشتند. علاوه بر این اسکان غیررسمی در دره فرحزاد با مشکلات بسیاری چون شیب زیاد دره، استفاده از

مصالح کم دوام، نداشتن احساس هویت شهری، پائین بودن سرانه‌ها از لحاظ آموزشی، بهداشتی، نداشتن به فرصت‌های برابر بهداشتی و امنیتی، و ... حاکی از مشکلاتی است که در واقع بازتاب مدیریتی ناصحیح شهری است. برای رفع این مشکل و ساماندهی وضعیت اسکان غیررسمی در این منطقه از یک سو بایستی افاغنه از منطقه خارج و به کشور خود فرستاده شوند، از سوی دیگر ساکنان این منطقه به محله دیگری منتقل شوند. زیرا این منطقه جز حریم رودخانه محسوب شده و به علت شیب زیاد و طغیان رودخانه در فصل بارندگی سکونت در این منطقه را با دشواری مواجه خواهد کرد. پس از اسکان در مکانی دیگر اقداماتی جهت توانمندسازی و آموزش آنها در جهت آشنایی با حقوق شهروندی و مشارکت در توسعه انجام شود و از شکل‌گیری و رشد این نوع مکانها بایستی جلوگیری شود که به تفصیل در ارائه پیشنهادات و راهکارها به آنها اشاره شده است.

پیشنهادات و راهکارها:

- ۱) قبول حاشیه‌نشینان دره فرحزاد به عنوان جزئی از ساکنان شهر و سعی در حل مشکلات آنها در مدیریت شهری از طریق اسکان آنها در اراضی مساعد داخل یا خارج شهر تهران.
- ۲) آموزش ساکنین منطقه در جهت آشنایی با حقوق شهروندی و مشارکت در توسعه.
- ۳) فرستادن اتباع خارجی (افغانی و پاکستانی) به کشور خود.
- ۴) یکی از بهترین راهکارها جهت حل معضلات سکونتگاههای غیررسمی دره فرحزاد، توانمندسازی ساکنان آنها از طریق تقویت حس مشارکت در بین مردم منطقه است.
- ۵) آموزش و اطلاع‌رسانی دقیق به مردم ساکنین منطقه در جهت شناخت واقعی مشکلات منطقه و کمک و هم‌فکری از آنها جهت حل مشکل.
- ۶) جلب اطمینان اهالی این سکونتگاه از طریق اقدامات عملی جهت حل مشکلات دره فرحزاد.
- ۷) اطلاع‌رسانی بهداشتی و ایجاد درمانگاه جهت تسریع دسترسی به امکانات آن در این دره فرحزاد.
- ۸) نزدیک کردن مردم و مدیران شهری از طریق برگزاری جلسات مکرر برای جلب اعتماد و مشارکت مردم همراه با تسهیل‌سازی مراحل اداری توسط مدیران شهر در دره فرحزاد.

بررسی، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی، ۱۰۱۱۱۱

- ۹) نظارت دقیق بر طرحهای جامع و تفصیلی جهت به اجرا در آمدن آن در محلات حاشیه‌ای.
- ۱۰) نظارت دقیق بر ساخت و ساز و جلوگیری از هر گونه رشد این سکونتگاه‌ها در این منطقه.
- ۱۱) فراهم نمودن دسترسی به زمین و تامین دسترسی به اعتبار و تامین زیر ساخت های اساسی با توجه به شرایط اجتماعی- اقتصادی ساکنین این منطقه.
- ۱۲) اختصاص دادن درصدی از زمینهای توسعه آینده شهر برای محله هایی (از جمله دره فرحزاد) ، که با شیب بالا مواجهه هستند.
- ۱۳) اسکان غیررسمی را از همان آغاز پیدایش و تولد بایستی جدی گرفت و آن را در یکی از محدودهای قانونی یا خدماتی شهر با تعریف جداگانه‌ای آن را مدیریت کرد.
- ۱۴) تقویت میزان ارتباط بین دستگاههای مدیریت شهری و تشکل‌های مردمی در این منطقه.
- ۱۵) موضوع مالکیت و خرید و فروش زمین و املاک در حاشیه‌ها و نقل و انتقال اسناد و مالکیت غیر رسمی در وضعیت بسامانی نمی‌باشد. بنابراین لازم است که کار حقوقی و اجتماعی جهت ساماندهی این موضوع صورت پذیرد.
- ۱۶) تأسیس واحد اسکان غیررسمی بعنوان یک بخش اداری مستقل در شهرداری
- ۱۷) تلاش در راستای تحقق اهداف سند ملی توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی.
- ۱۸) به رسمیت شناختن حق سکونت و تأمین مسکن در این گونه سکونتگاه‌ها برای همه و برقراری حمایت قانونی در این مورد.

منابع و مأخذ:

۱. از کیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، انتشارات کیهان
۲. ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۶)، اسکان غیررسمی، جلوه ای از توسعه ناپایدار شهری، نمونه مورد کرمانشاه، رساله دکتری به راهنمایی مظفر صرافانی و ژبلا سجادی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیا.
۳. ایراندوست، کیومرث، (۱۳۸۸)، سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه نشینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۴. ایمانی حاجرمی، (۱۳۸۱)، حاشیه‌نشینان حرم؛ نگاهی به مسئله اسکان غیررسمی در مشهد، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، تابستان.

۱۰۲ // فصلنامه جغرافیا، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

۵. بیگدلی ، داود (۱۳۸۳) ساماندهی اسکان غیر رسمی نمونه مورد مطالعه کوی فاطمیه شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، دانشگاه زنجان.
۶. حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۶۱)، حاشیه نشینان تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
۷. خاتم، اعظم، (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت در طرح های توانمندسازی و بهسازی محله، تجربه جعفرآباد کرمانشاه، هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم.
۸. خضرای، فرزین، (۱۳۸۱)، توانمندسازی در اسکان غیررسمی، تجربه زاهدان، فصلنامه هفت شهر، شماره بیست.
۹. صراف، مظفر، (۱۳۸۱)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی- از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر، هفت شهر، سال دهم، شماره نهم و دهم.
۱۰. شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۴)، سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی مطالعه موردی شهر پاکدشت، جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶
۱۱. صفوی، علی، (۱۳۸۱)، توانمندسازی اسکان غیررسمی، تجربه زاهدان، ماهنامه شهرداریها، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، شماره ۴۶.
۱۲. عسگری طباطبایی، اسدالله، (۱۳۸۱)، بررسی اجمالی از پدیده بافتهای پیرامونی و یا حاشیه نشینی در ایران، فصلنامه هفت شهر، سال سوم شماره هشت.
۱۳. هادیزاده بزاز، مریم، (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد.
۱۴. Burgess, Rod & Marisa Carmana, (۱۹۹۷a), contemporary spatial strategies and urban policies in developing countries: Borgess Rod & et al(Eds)
۱۵. Pugh, Cedric, squatter settlements, their sustainability, architectural contributions, and socio-economic roles, in: cities, vol ۱۷, no۵, ۲۰۰۳
۱۶. Un-habitat, ۲۰۰۳- The un-habitat strategic vision, The united nations human settlements program, Nairobi, Kenya
۱۷. Walter, G.R, A process-discursive Approach to community economic development in community development journal, vol ۳۸, no۲, ۲۰۰۴

پیش بینی و پهنه بندی سیلاب در حوضه رودخانه کشکان با مدل HEC RAS

یوسف پارسا مهر^۱

فرزاد نوری زاده^۲

چکیده

پهنه بندی خطر سیل بدون اطلاع از بزرگی سیل و رفتار جریان سیلابی در مسیر و دشت سیلابی ممکن نیست. بر اساس آمارهای موجود، حوضه کشکان در اکثر سال های گذشته متحمل خسارات سنگین و حوادث گاه ناگواری ناشی از سیل بوده است که سیل خیزترین رودخانه استان لرستان محسوب می شود. در این مطالعه، ابتدا آمار و اطلاعات هیدرولوژیکی نظیر بارندگی و دبی حوضه (جنوب غربی ایران) جمع آوری شده و سپس به تجزیه و تحلیل، بازسازی و تکمیل آنها پرداخته شد. با توجه به وسعت حوضه و لزوم استفاده از یک ابزار مناسب، نرم افزار ArcGIS با بکار بردن افزونه HEC geo RAS لایه های اطلاعات هندسی مسیر جریان تهیه و به نرم افزار محاسباتی HEC RAS منتقل شد. سپس با معرفی مشخصات جریان و ضریب مانینگ هر مقطع و تنظیمات دیگر پهنه بندی سیلاب در دوره های بازگشت معین تهیه شد. یافته ها نقاط حادثه خیز و پهنه سیل گیر را در خروجی حوضه نشان می دهد و همچنین مشخص شد که شهر پلدختر و مناطق روستایی در مسیر جریان دارای پتانسیل بالایی برای وقوع سیلاب می باشند. سیلاب های اخیر مشاهده شده در این مناطق، صحت نتایج را تایید می کند.

واژگان کلیدی: پهنه بندی سیل، HEC RAS، دوره بازگشت، حوضه کشکان

yousofkakoolvand@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد اقلیم شناسی و برنامه ریزی محیطی دانشگاه تبریز

۲- کارشناس ارشد اقلیم شناسی و برنامه ریزی محیطی دانشگاه آزاد تهران